

ماهه زنده در وجود همیم

چیز یاریم ماهه با هم

گر بدانیم ما ز هم چه کنیم!

ای خدا، جای این جدائیها

کجی به دلهای پرمهانه ما

صریح غش آشنایانه خواهد کرد؟

ای آشنای من

شعرهایت همانند آسمان پرستاره بیدلم گواهی یک روز روشن و آفتابی - یک باغ پر از گلهای یاس امیدریند در پامروارید

دوستی با می دهد - درود بر تو ای شمع روشن دلهای تنها - درود بر تو و آن دل صفت است .

آوایت نپذیرد دوباره بودن را عزیزا در دور روح دلد به قلم و هو و بسیار کرد دل دیوانه ام را . شعرهایت و پندهای

درویش صدای آزادی را دوباره در گوشم غریب از در - غوغای درونم فقط با شعر خواندن و سرودن آرام می شود .

والله عزیزم مدت ها دور از وطن بودم و شعر می سرودم و لمس کردن دروازه های آرزو ، نه تنها هنری بزرگ بلکه افتخاری

بزرگ است . دوست دلیریم به عشق درونت که روز به روز شعله در می شود و آتش می گذاریم ، به خوب دنیای و

همیشه در گوشه دل عاشقان شعر و ادب گنجینه قدری هستی .

من به عنوان جهانی شعر دوست خواهان آنم که بیو راحت و جزوی از هوادارانت باشم . امید آن دارم که

تو آن حرفهای دلم را آن گونه بیان کنی که ذره ای از درد و آسناهای آرزو را لمس کرده باشم .

باتقوا از تو بودن ، بدرود .

سمیه پورداغلی

سوئد - مالمه

2002-09-01